

شاعر تبریزی: شاعر رسالتش فریاد است، جمهوری آذربایجان باید فریاد زده شود

اسلام، مرز نمیشناسد؛ مسلمان، در هر نقطه‌ی عالم که باشد، باید که صدای برادر و خواهر مسلمان خود را بشنود و به امدادش بشتابد

عادلی/خبرگزاری آران
خبرگزاری آران/سرویس آذربایجان

اسلام، مرز نمی شناسد؛ مسلمان، در هر نقطه‌ی عالم که باشد، باید که صدای برادر و خواهر مسلمان خود را بشنود و به امدادش بشتابد.

این، تکلیفی است که رسول اکرم(ص) بر مسلمین واجب کرده... فرقی نمی کند که این مسلمان کجای عالم باشد؛ فلسطین، بوسنی، لبنان، بحرین، مصر، تونس، پاکستان، افغانستان یا جمهوری آذربایجان... آری آذربایجان؛ پاره‌ای از وجود اسلام که سختی و سردی پتک الحاد کمونیستی و جفای حاکمانش، روحش را آزرده و جسمش را متلاشی ساخته. با این همه، اما آذربایجان، به مدد مجاهدانش، همچنان ایستاده و ندای اسلامخواهیش به آسمان بلند است. ما نیز ندای خود را به ندای آذربایجان پیوند میزنیم تا شیاطین، صلابت اسلام را به چشم ببینند. به نام خداوندگاری که نور تجلیش را بر تن خاکبان تابان کرد و آبشارهای محبت و ادب را بر شانه هایشان روان. ابراهیم قبله آرباطان هستیم. روستایی به نام آرباطان، اولین لیخنند مرا در لابلای هروله های باد آذرماه به جهان و جهانیان خوش آمد گفت. حاصل تلاش حقیر در طی این سال ها، چاپ 5 کتاب شعر، کسب بیش از صد و سی عنوان اول یا برگزیده کشور در حیطه ی متن ادبی و شعر بود. علاوه بر آن در بیش از 40 عنوان کتاب صدا و سیما یعنی کتابهای «اشارات» متون ادبی کار می کردم که مجریان از آن متن ها در لابلای برنامه هایشان استفاده می نمایند. ضمن آنکه توفیق داشتم در سال 1386 به عنوان برنده جایزه قیصر امین پور و نفر اول شعر دفاع مقدس از بین شانزده هزار اثر، خدمت مقام عظمای ولایت، حضرت آیت الله خامنه ای برسم و اجرای شعر در محضرشان داشته باشم.

از حوزه های مهم و تاثیرگذاری که می توان به ندای عدالتخواهی و اسلام خواهی مظلومان و مسلمانان در هر نقطه ی عالم واکنش نشان داد؛ حوزه ی شعر و ادبیات می باشد. متن گفتگوی سلام تبریز با ابراهیم قبله آرباطان شاعر تبریزی و از فعالین در این زمینه به شرح ذیل می باشد:(سوالات به جهت اختصار حذف گردیده است)

به نام خداوندگاری که نور تجلیش را بر تن خاکبان تابان کرد و آبشارهای محبت و ادب را بر شانه هایشان روان. ابراهیم قبله آرباطان هستیم. روستایی به نام آرباطان، اولین لیخنند مرا در لابلای هروله های باد آذرماه به جهان و جهانیان خوش آمد گفت. حاصل تلاش حقیر در طی این سال ها، چاپ 5 کتاب شعر، کسب بیش از صد و سی عنوان اول یا برگزیده کشور در حیطه ی متن ادبی و شعر بود. علاوه بر آن در بیش از 40 عنوان کتاب صدا و سیما یعنی کتابهای «اشارات» متون ادبی کار می کردم که مجریان از آن متن ها در لابلای برنامه هایشان استفاده می نمایند. ضمن آنکه توفیق داشتم در سال 1386 به عنوان برنده جایزه قیصر امین پور و نفر اول شعر دفاع مقدس از بین شانزده هزار اثر، خدمت مقام عظمای ولایت، حضرت آیت الله خامنه ای برسم و اجرای شعر در محضرشان داشته باشم.

جمهوری آذربایجان باید فریاد زده شود

اخیرا شعرى درباره مسائل آذربایجان گفته ام که موضوع آن در خصوص شهرها و مردمانی است که مظلوم واقع شده اند و با وجود مسلمان، گاهی حتی نمی توانند نمازهایشان را بخوانند. یعنی محدود شده اند؛ آن هم توسط زورگویانی که از نظر قانونی حقی در آنجا ندارند.

در این شعر باکو، قره باغ، گنجه، قفقاز و دیگر شهرها، مورد خطاب بنده بود. همچنین توجهم و تاکیدم به شخصیت هایی بود که جانیشان را در راه دفاع از حریم اسلام تقدیم کردند.

شهید حاج واقف عبدالله اف شخصیت کوچکی نیست. حاج علی اکرام علی اف باید گفته شود. جمهوری آذربایجان باید فریاد زده شود؛ همچنان که لبنان و لیبی و عراق و دیگر مظلوم نشین ها باید فریاد شود.

شاعر رسالتش فریاد است

شاعر وقتی رسالتش فریاد باشد، آیا سکوت کرد رواست؟ البته که نه. هر کس به قدر توان خود باید این رسالت را فریاد بزند و من حس کردم، با به تصویر کشیدن نمادها و یادآوری آنها، شاید بتوانم بخش کوچکی از رسالتم را به انجام برسانم.

شاعر متعهد در حمایت از دین و اسلام

در خصوص شعر متعهد و انقلابی و در این باب تعاریف فراوانی گفته اند. لذا با حدیثی قدسی سعی می کنم هم شعر متعهد را توضیح بدهم و هم تعریفی از شاعر متعهد داشته باشم.

قال الله تعالى: واعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا واذكروا نعمة الله...

آنچه از این آیه در وهله ی اول به ذهن متواتر می شود، حفظ وحدت است. حفظ وحدت اساسی ترین مساله حفظ این دولت و یک کشور است. تعهد هم که التزام داشتن به چیزی است و تعهد انقلابی را می توان به متعهد شدن در قبال انقلاب و دست آوردهای پاک آن است. اعتصام به حبل الهی تعهد را به دنبال دارد و تعهد هم حفظ ارزش های نظام و انقلاب را. در ادامه توضیح آیه ، واذكروا نعمت الله... آمده است. ذکر نعمت های الهی هم به و تذکر آن به کسانی که باید بدانند. ذکر نعمت، خودش عبادت است. خودش قدرشناسی است، خودش از صفات پسندیده است. ذکر نعمت الهی، ذکر همین آرامش و آسایش ماست. ذکر اینکه ایران ما، قافله سالار آزادی در جهان است.

پس شعر متعهد، شعریست که از حریم دین و اسلام دفاع کند و شاعر متعهد، کسی است که از روی اعتقاد و باطن، سعی می کند با قلم خود و با اثر و شعر خود، گامی در حمایت از دین و اسلام برداشته باشد.

حیف است یک رزمنده به تنهایی 200 نفر را به رگبار ببندد!

جریان انقلاب یک اسطوره نیست، هرچند در سطح اسطوره باشد. پس باید برای تبیین و شناساندن انقلاب به نسل های بعدی، از اسطوره سازی و روایپردازی های آنچنانی جلوگیری شود.

آسیب شناسی یعنی علم شناخت بیماری هاست. حال ممکن است این بیماری سیاسی باشد، ممکن است فرهنگی باشد و یا ممکن است ادبی باشد.

من معتقدم که عشق حضرت ابالفضل برای دفاع از حریم دین و اعتقاد قلبی و دینی اش کافیهست. دیگر لازم نیست که در کربلا با یک ضربت شمشیر مثلا 12 نفر را به هلاکت برساند و یا عقاب، اسب حضرت عباس(ع) با دهان و لگد حدود صد و هشتاد نفر را از بین ببرد. عشق و اعتقاد حضرت ابالفضل (ع) کافیهست. هر چند شجاعت ایشان زبانزد عام و خاص است. پس آسیب شناسی یعنی یافتن علل بیماری و در مرحله ی بعد، درمان آن.

می خواهم بگویم که حیف است در مساله دفاع مقدس، تحریفات جای حقایق را بگیرد. حیف است یک رزمنده بتواند با یک اسلحه دویست سیصد نفر را به رگبار ببندد و سیصد اسلحه دار نتوانند حتی زخمی به ایشان وارد کنند. می خواهم بگویم انقلاب و دفاع مقدس ما آنقدر محکم و انکار ناپذیر است که احتیاجی به اسطوره سازی اغراق گراییه نداشته باشد.

بنویسیم، حقیقت را بنویسیم، اما آنقدر اغراق نکنیم که خواننده و شنونده فکر کند آنها از نیایی آمده اند که مانند آنها شدن غیر ممکن است.

طوری بنویسیم و طوری بشناسانیم که مخاطب بین خود و آنها قرابت احساس کند و سعی کند تا خودش را مثل وی کند.

شجاعت و شهامت ورود به مسائل را داشته باشیم

امروزه طیفی از شاعران امروز شجاعت و شهامت ورود به مسائل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی را ندارند اما شاید آن دسته از شاعران یادشان رفته است که مثلا سیاست جزوی از دیانت است. سیاست جزوی از اجتماعی بودن و فرهنگی بودن است. سیاست شاید نصف دیانت ماست. برخی می گویند نباید سیاسی بود. اما لامارک فرانسوی معتقد است که حتی لبخند کودک نیز در آغوش مادر نوعی سیاست است.

پس ترس شان خوب نیست. چون سیاست یعنی به نفع باور تلاش کردن و باور ما، اعتلای نظام و انقلاب و اسلام است. /ع

پایان پیام